

شوق روزنامه

در بوته نقد

توفان، امکان انتقام و بخشایش

محمدحسن خدایی

توفان شکسپیر در جزیره‌ای که پر از راز و رمز و شگفتی است در جریان است؛ روایتی از انتقام‌گرفتن پراسپرو یا همان دوک برحق میلان از کسانی که او را از قدرت برکنار و تبعید کرده‌اند. طنز ماجرا البته به خود پراسپرو بازمی‌گردد؛ اینکه او روزگاری برای اجتناب از ملال حکمرانسی و درددرت‌بودن، جایگاه نمادینش به‌عنوان دوک میلان را ترک کرده و برای مطالعه، تحقیق و مستغرق‌شدن در انبوه کتاب‌ها، برادر خود، آنتونیو، را جایگزین خود کرده و به کنج کتابخانه پناه می‌برد. از دل این ملال و رهاکردن جایگاه قدرت است که امکان خیانت و کودتا فراهم شده و پراسپرو به‌همراه دختر سه‌ساله‌اش، میراندا، به تبعید فرستاده می‌شود. جزیره همچون مکانی یوتوپایی، پراسپرو را در مدت‌زمان ۱۲ سال، واجد قدرتی فراطبیعی می‌کند. حاکم تبعیدشده، آن زمان که قدرت سیاسی را از کف می‌دهد، قدرت‌هایی دیگر را به چنگ می‌آورد. او جادو می‌داند و حاکم قدرتمند جزیره می‌شود. نیروهای تحت فرمان او آریل و کالیبان هستند. تری ایلکتون در باب نیروهای در اختیار پراسپرو، متذکر می‌شود که «اگر باید آریل را به حیات بدن زنجیر کرد، کالیبان جانورگونه را باید با قتل به سطح زیان برکشید. آریل و کالیبان به‌ترتیب نماد زبان محض و بدن محض‌اند.» زبان که در بیان پراسپرو، همچون کلام خداوند عمل می‌کند و طبیعت و نیروهای مادی آن را به انقیاد می‌کشد، پراسپرو فرمان می‌راند و آریل و کالیبان به اجرا درمی‌آورند.

توفان روایتگر انتقام و انقیاد است. کسانی همچون پراسپرو در تلاش برای انتقام‌گرفتن و موجوداتی چون کالیبان و آریل در نمایا پس‌زدن انتقاد. از این منظر، توفان نمایشی است در باب قدرت و مقاومت؛ در نسبتی که با تضاد ابدی– ازلی میان طبیعت و صنعت برقرار است، همان تضادی که فروید میان طبیعت و فرهنگ منصور است که چگونه باعث ملال شده و مستوجب طغیان.

مازیار سیدی در مقام طراح و کارگردان به سراغ توفان پرمرموزاز رفته؛ مثنی جذاب، قصه‌گو و البته انتقادی. با طنزی روح‌افزا که از قضا تأملی است در رابطه با انتقام و بخشایش؛ نمایشی که به قول ایلکتون با ازدواج میراندا و فریدیناند قرار است به صلح و آسایش ختم شود و رستگاری را ممکن کند یا آن‌گونه که یان کات معتقد است، با کنارگذاشتن عصای جادویی پراسپرو، انسانی و تاریخی به نظر آید و از جهان مافانژیکلی فاصله بگیرد. روایت مازیار سیدی بیش از آنکه بر سوبه‌های فلسفی و نقد اجتماعی توفان تأکید کند، به امکانات اجرایی‌شدن آن در زمانی ۷۰دقیقه‌ای، نظر دارد. بی‌شک تلاش فرهاد امینی در جایگاه دراماتورژ، آن‌هم با مساعدت و مشاورت کسی چون رضا سرور، قابل اعتناست، اما هر فشرده‌سازی‌ای در نهایت تن‌دادن به تقلیل و حذف قسمت‌هایی از کلیت روایی متن هم هست؛ مؤلفه‌ای که جنبه‌های سیاسی و فلسفی توفان را کاهش داده و بیش از پیش در سودای باروری ایده‌های اجرایی است. اما به‌صحنه‌آوردن روایتی فشرده، اندکی گرفتار مسامحه و کم‌توجهی است و می‌توان آن را از کاستی‌های اجرا برشمرد.

«توفان» به روایت مازیار سیدی که اولین پروژه استاد– دانشجویی دانشکده سینما و تئاتر محسوب می‌شود، سعی کرده تا از تمامی فضای سالن استاد خورشیدی در خدمت ایده‌های اجرایی استفاده کند. تماشاگران همچون ارواح نظاره‌گر، در گوشه‌وکنار سالن، جزیره تحت امر پراسپرو را زیر نظر گرفته و استقرار یافته‌اند. تو گویی روایت انتقام و بخشایش و بازگشت به قدرت پراسپرو، در این جزیره را می‌توان از هر منظره‌ی در سودا تماشا نشست و در نهایت قسمت‌هایی از آن کلیت را از کف داد. طراحی صحنه و حرکات، با به‌کارگرفتن تمام فضا، از نکات قابل‌اعتنای نمایش است؛ تبدیل سالنی کوچک به جزیره‌ای که آسمان و زمین آن فضایی رازورزانه را بازنمایی می‌کند. از دیگرسو طراحی لباس، از سنت نمایش‌های الیزابتی فاصله گرفته و معاصر دوران ماست. شخصیت‌ها لباس‌های امروزی بر تن کرده و معاصر ما به نظر می‌آیند؛ رویکردی اقتصادی به طراحی لباس که کارکرد مناسبی یافته و در خدمت کلیت نمایش است. بازی‌ها روان و در نسبت با رویکرد مینی‌مالیستی کارگردان، قابل فهم و اعتناست.

در نهایت می‌توان بار دیگر بعد از به‌تماشانشستن خوانشی تازه از یک متن کلاسیک، این‌بار توفان شکسپیر، پرشش از امکان معاصرشدن را در نسبت با اینجا و اکنون مطرح کرد. به نظر می‌آید تلاش مازیار سیدی در این رابطه کم‌فروغ باشد. چراکه تقلیل روایی توفان منجر به کم‌آترشدن سوبه‌های فلسفی و سیاسی متن شده و توان رادیکال‌بودن و صداالته بحرانی‌کردن وضعیت را آن چنان نایفته است. بی‌شک پروژه‌هایی این‌چنین که سودای حرفه‌ای‌گری تمام‌وکمال ندارند، می‌توانند رادیکال‌بودن و سیاست بوطیقای خود را در وفاداری بیشتر به جهان شکسپیری از خود نشان دهند؛ وفاداری به روایت یک توفان که وزیدن گرفته و جهان بی‌اعتمادشده مردمان را به بخشایش و رستگاری رهنمون کرده است؛ جهانی دور از مناسبات مادی سرمایه و سلطه، جاری و ساری بر جزیرای پرمرموزاز که میان آریل و کالیبان تقسیم شده و جان‌های آزاده‌ای چون میراندا و فریدیناند را به‌هم پیوند داده و پراسپرو را به بخشایش می‌رساند.



روی صحنه آبی

در نشست خبری «خانه‌بوشاسپ درازدست» مطرح شد

کابوس‌هایی روی صحنه

نشست مطبوعاتی پرفورمنس تئاتریکال «خانه‌بوشاسپ درازدست» به کارگردانی علی اتحاد با حضور کارگردان، تهیه‌کننده و بازیگران آن شامل مهدی پاکدل، رعنا آزادی‌ور و اندیشه فولادوند در گالری رح برگزار شد. علی اتحاد (کارگردان نمایش خانه‌بوشاسپ درازدست) در این نشست گفت: کارهای پیشین من زبان آرکانیک داشته است، اما این کار زبانی عامیانه و محاوره‌ای دارد. در قسمتی هم که این نمایش به کابوس‌ها برمی‌گردد، بیشتر تاکیدم روی تأویل روان‌شناختی داستان بوده است. وی افزود: در سال‌های گذشته همیشه در پی متن‌های آرکانیک بودم. بعد از دیدن بازی مهدی پاکدل در نمایش «افسوس معبد سوخته» حیرت کردم، چون هم فضای این نمایش و هم بازی‌های خیلی خوب مهدی پاکدل به چیزی که من در این نمایش می‌خواستم قرابت داشت و به این علت به سراغ او رفتم.

کارگردان نمایش «خانه‌بوشاسپ درازدست»، در مورد اولین بازی تئاتری رعنا آزادی‌ور در نمایش خود گفت: چون خاتم آزادی‌ور تجربه اجرای زنده نداشتند، نمی‌خواستم خاطره بدی از این تجربه داشته باشند تا این بازیگر را از ادامه همکاری در بازی‌های نمایشی دیگر بازدارد. وی در مورد فضاهای وحشت این نمایش نیز گفت: من ژانر وحشت را دوست دارم، ولی نه به این دلیل که بخواهم مخاطبر را بترسانم؛ صرفا به این خاطر که فضاهای این ژانر به فضاهای ذهنی خودم نزدیک است. ممکن است مخاطب بعد از دیدن نمایش اصلا دچار ترس هم نشود، چون کار من از اساس قصد نداشته در مخاطبش را بترساند.

در ادامه این نشست، اندیشه فولادوند (بازیگر این نمایش) در پاسخ به این سؤال که چقدر فضای نمایش «خانه‌بوشاسپ درازدست» به شعرهای شما نزدیک است، گفت: علی اتحاد با شعرهای من مخرج‌مشترکی ندارد و من می‌دانم که فضایی شغری من در ارتباط نیست، چراکه شعر من از فضای خیابانی استفاده می‌کند، ولی زبان علی اتحاد در کارهای نمایشی‌اش زبان آرکانیک و به‌دور از فضاهای روزمره است. وقتی او کار را به من پیشنهاد کرد، چون کارش را دوست داشتم، بازی در این نمایش را قبول کردم. علی اتحاد بر جهان داستانش کاملا احاطه دارد. «خانه‌بوشاسپ درازدست»، در ادامه این نشست گفت: من ذهن اجرایی دارم؛ یعنی اگر ایده قابل‌اجرایی داشته باشم، در طول کار روی صحنه، کارگردان را در جریان می‌گذارم، ولی چیزی که در علی اتحاد برای من عجیب است، کارکردن مداوم او روی دنیا می‌دانستنش است. اگر ایده‌ای برای من در جریان یک روز صحنه می‌رود و در جریان یک روز صحنه‌ای این امکان را تماشاگران وجود خواهد داشت که پنج شب به تماشاای پنج ایپزود مختلف بنشینند. این نمایش درباره ترس‌هایی است که هر یک از ما در زندگی با آن مواجه شده یا می‌شویم. نمایش «خانه‌بوشاسپ درازدست» تیرماه در یکی از سالن‌های پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. این نمایش هر شب ساعت ۲۱ به تهیه‌کنندگی مجید رحیمی‌جعفری روی صحنه خواهد رفت و بلیت‌فروشی آن به‌زودی آغاز می‌شود.



از راست: بهرنگ رجبی، فرهاد امینی، مازیار سیدی و رضا سرور / عکس: سلما پورامین

گفت‌وگوی بهرنگ رجبی با مازیار سیدی، رضا سرور و فرهاد امینی به بهانه اجرای «توفان»

روز خوبی نخواهد آمد

در سال‌های اخیر، با اوج‌گرفتن تعداد ترجمه‌ها و اجرایی که از شکسپیر

ایران می‌شود و نیز دخل و تصرف‌های مداوم اجرایی در این متون، ما کم‌کم در آستانه مواجهه با شکسپیر ایرانی هستیم و زمینه برای درک درونی این متون برای ما فراهم می‌شود. به این معنا شکسپیر جهانی جایگزین شکسپیر معاصر شده است. اما به نظر من حتی اگر امروز در سطحی‌ترین لایه بخواهیم درام‌هایی را از شکسپیر پیدا کنیم که با مسائل روز ما منطبق باشد، شاید توفان در آخرین رده‌ها قرار می‌گیرد. از نظر من متن توفان شاید در مقایسه با درامی مثل چشم در برابر چشم، کمتر معاصر ما قرار بگیرد؛ اما چنان‌که گفتیم، می‌تواند برای کارگردانان جوان ما عرصه‌ای باشد برای کشف سوبه‌های تئاتری جدید و تجربه‌های نو. توفان از بدو امر که نوشته شد، از متونی بود که به‌شدت از آن اقتباس شد؛ به خاطر اینکه هم زمینه‌ای رئالیستی داشت هم داستان پریان جذابی بود. این نمایش‌نامه، تصویری تمام‌عیار از انسان رنسانسی ارائه کرده و همین نکته در کنار وجه قصه پریانی آن باعث شده به چشم رمانتیک‌ها بیشترین جذابیت را برای اجرای صحنه‌ای داشته باشد. از طرف دیگر، طبق تفسیرهایی که آن زمان خیلی مد بود، تصویر پراسپرو، قهرمان نمایش، تصویر شکسپیر از خودش پنداشته می‌شد و این نمایش را یک جور نمایش اتوبیوگرافیک می‌دانستند. همیشه ترکیب همه این وجوه، برای مفسران و کارگردان‌ها جذاب بوده است. نکته آخر اینکه در تمام نمایش‌نامه‌های شکسپیر –چه تراژدی و چه کمدی– نوعی پایان تلخ وجود دارد؛ یعنی در کمدی‌های شکسپیر که با ازدواج پایان می‌یابد، همیشه گنایه تلخی وجود دارد که تعریضی است بر پایان خوش نمایش؛ اما توفان با گونه‌ای اعتدال تمام می‌شود. یک جور بخشایش در متن دیده می‌شود که به چشم می‌آمد و از قضا آقای سیدی و امینی با آن مسئله داشتند و تغییرش دادند؛ یعنی فکر کردند اگر این وجه بخشایش در متن کمرنگ بشود، ارتباط آن با زمانه ما بیشتر می‌شود و زمینه معاصرشدن متن فراهم می‌آید.

✎ دلیل اینکه می‌گویید در دو دهه گذشته شکسپیر معاصر ما نیست چیست؟ سرور: زیرا به‌نظر می‌رسد امروزه بیش از آنکه شکسپیر به‌لحاظ درون‌مایه‌های مثنی با شرایط اجتماعی و سیاسی ما مرتبط باشد، آژارش دستمایه‌ای شده برای ادعاعات بصری و صحنه‌ای، مثلا سبزه‌های شیده تا طراحان لباس ترکیب‌هایی ناهم‌زمان از لباس‌های رنسانسی و مدرن را ابداع کنند، طراحان صحنه دکورهای انتزاعی خویش را بر صحنه به رخ بکشند و با استفاده افراطی از ویدئواتر، صحنه را پر کنند. من دیگر آن ارتباط فراگیر و بنیادین را– نظیر آنچه بروک در رؤیای شب نیمه تابستان و منوشکین با ریچارد دوم یا اشتاین در همان‌طورکه دلخواه شماس‌ت انجام داد– نمی‌بینم. سال‌هاست هیچ دستاورد خیره‌کننده‌ای در

رضا سرور: در طول این چهار سده هیچ وقت شکسپیر تا این حد جهانی نبوده است. ما امروز مثلا شکسپیر آلمانی، شکسپیر فرانسوی و شکسپیر ژاپنی داریم. آنها شروع کردند به یافتن مسائل ملی و بومی خویش در آثار شکسپیر و حالا در سال‌های اخیر، با اوج گرفتن تعداد ترجمه‌ها و اجرایی که از شکسپیر در ایران می‌شود و نیز دخل و تصرف‌های مداوم اجرایی در این متون، ما کم‌کم در آستانه مواجهه با شکسپیر ایرانی هستیم

اجراهای شکسپیری دیده نمی‌شود و پس از کنت برانا، شکسپیرین در‌خور اعتنایی ظهور نکرده است. درعوض، جهانی‌شدن شکسپیر و چندملیتی‌شدن او، جایگزین اجباری معاصربودن او در قرن بیستم شده است. این واقعیتی است که برخلاف میل ما در همه جای جهان در حال وقوع است.

✎ آقای امینی، آقای سیدی نکاتی گفتند راجع به اینکه چه خواسته‌هایی از متن داشته‌چه نگاهی به متن داشته و اینکه چرا به‌نظرش این متن به درد اجرایش می‌خورده است. شما در دراماتورژی‌تان چگونه سعی کردید ایده‌های کارگردان را تبدیل به وجوه ملموسی برای اجرای صحنه‌ای بکنید. چه افزودید و چه کم کردید؟ درباره روند دراماتورژی متن توضیح می‌دهید؟

فرهاد امینی: اولین سؤالی که در جایگاه دراماتورژ هنگام مواجهه با متن باید پرسیده شود، این است که چرا این متن الان و اینجا باید اجرا شود؟ و این چرایی به ما کمک خواهد کرد که بدانیم حالا می‌خواهیم با متن چه کنیم تا آن اتفاقی که می‌خواهیم بیفتد. بین کمدی‌های شکسپیر، دو اثری که اسم‌شان در جامعه ایران دست‌کم بیشتر شنیده شده، رؤیای شب نیمه تابستان و توفان هستند. توفان این وسط خیلی جالب است، نمایش‌نامه‌ای است که انگار طلیعه یک جهان مدرن را دارد نشان می‌دهد، انگار ما با نویسنده‌ای طرفیم که این نبوغ را داشته که لایه‌های زیرین و نهفته جامعه‌اش را ببیند و آینده را یک جور پیشگویی کند و اتفاقاتی را که بعدا می‌افتد، ببیند و بنویسد. ما با یک ایده کلی شروع کردیم؛ با این نگاه که داستان، داستان قدرت و قدرت‌طلبی است. توفان از جمله متن‌هایی است که پس‌استعمارگرایان به آن علاقه داشته‌اند؛ ولی ما فکر کردیم بهتر است سراغ تحلیلی کلان‌تر برویم و آن هم تأکید روی بازی قدرت است. بازی قدرت دو تا لغت است: بازی و قدرت. بازی شاید آن چیزی است که بلافاصله ما را به سمت یک اجرای پرشور و شور و درک‌شدنی برای مردم می‌برد و لغت قدرت می‌تواند یک تفسیر کاملا امروزی داشته باشد؛ بنابراین این دو لغت کنار هم ما را به سمتی برد که اثری طراحی کنیم بر از بازی و پر از وجوه مختلف قدرت‌طلبی. آن پایانی که آقای سرور اشاره کردند که تغییر کرد، آن تغییر به نفع گفتمان قدرت بود، به نفع یک‌جور تفسیر از قدرت. پایان را عوض کردیم، پایانی که شاید شکسپیر هزار تا دلیل برایش داشته. ما تلاش کردیم اعتدالی در کار نباشد؛ انگار پراسپرو می‌آدم قدرت‌طلبی است که در نهایت در قدرت‌طلبی‌اش پایدار



«توفان»، اجرای مازیار سیدی از کمدی مشهور ویلیام شکسپیر در تالار خورشیدی دانشکده سینما‌تئاتر، نمایش جست‌وجو است؛ بیش از آنکه بخواهد نگاه و نظریه‌ای مشخص را بازتاب دهد، تلاش برای یافتن تکنیک‌ها و تفسیرهایی است که بین ذهنیت دراماتورژ و کارگردانش با متن شکسپیر پل بزند و از گذر اجرا، متن را تبدیل کند به اثری درباره امروز و اینجا. وقتی نشستیم درباره‌اش حرف بزنیم، برای من هم فارغ از موفقیت یا شکست این تلاش، خود این جست‌وجو مهم بود. سعی کردم دآوری نکتم و بیشتر از پرسش‌هایی بیرسم که خود گروه اجرایی در مواجهه با «توفان» داشتند و همچنین اینکه چطور به چه جواب‌هایی رسیدند. این گفت‌وگو با مازیار سیدی، کارگردان، فرهاد امینی، دراماتورژ و رضا سرور، مشاور اجرا، صورت گرفته است.

✎ به تعبیر یان کات، هر متنی باید معاصر ما باشد و اگر نیست ما باید آن را معاصر خودمان کنیم. چه چیزی در توفان شکسپیر دیدید که فکر کردید این متن معاصر ماست یا می‌تواند معاصر ما بشود و ما امروز باید در تهران بنشینیم و ارایش را ببینیم؟

مازیار سیدی: دلیل انتخاب متن یک وجه فنی دارد، یک وجه تجاری دارد و یک وجه شخصی. بخش تجاری‌اش خیلی ساده است، اگر قرار بود متنی از شکسپیر اجرا شود، ترجیح می‌دادم متنی باشد که کمتر اجرا شده؛ یعنی تماشاگر کمتر با این متن از شکسپیر مواجه شده باشد. آثاری مثل هملت، لیرشاه و مکبث به دلیل زیاد اجرایشان شناخته‌شده‌تر هستند.

هنوز که هنوز است هرروز سر اجرا دارم بیشتر به این نتیجه می‌رسم که توفان، متنی خیلی امروزی است، متنی است مرتبط با مسائل و چالش‌های امروز ایران و جهان؛ چه به‌لحاظ سیاسی و چه به‌لحاظ اجتماعی. ضمنا در این پروژه اول متن انتخاب نشد؛ اول پروژه طراحی شد و بر مبنای این پروژه من دنبال متن گشتم. باید متنی را انتخاب می‌کردم که قابلیت اجرایشدن با امکانات امروز من را داشته باشد. دنبال این بودم که اگر قرار است در دانشگاه اجرا شود، متنی باشد که کیفیت و اعتبار آکادمیک داشته باشد، متنی باشد که بتوانیم به‌عنوان شروع یک پروژه دانشگاهی ارائه‌اش دهیم.

وقتی که رفتم جست‌وجو کردم، متوجه شدم در خیلی از مدارس تئاتر دنیا زمانی که می‌خواهند کار را شروع کنند، با اجرای متون کلاسیک شروع می‌کنند. دیدم متنی از شکسپیر می‌تواند کارورزی خیلی خوبی باشد برای بچه‌های تازه‌کاری که می‌خواهند کار کنند. جدای از این، متون شکسپیر در قیاس با نمایش‌نامه‌های یونان باستان، این امکان را برابم مهیا می‌کرد که بتوانم از تجربه زیست خودم چیزی به آن بیفزایم. وقتی فهمیدم انتخاب شکسپیر است، به متون مختلف رجوع کردم و ترجیح‌م کمتر دیده‌شده بود و متنی که قابلیت اجرا برای یک‌سری جوان در سن‌وسال کم را داشته باشد. توفان، کمدی بود، راحت‌تر قابل لمس‌شدن از طرف بچه‌های جوان‌تر بود. تعداد بازیگر زیادی لازم داشت، پس مناسب برای پروژه دانشگاهی بود.

دلایل فنی و تجاری انتخابتان را گفتید. آن چیزی که حالا توفان را بین سایر متن‌ها برایتان جدا از مسائل فنی معاصر می‌کرده بود؟

سیدی: یک‌جور نقد بازمه سیاسی می‌کند، خیلی شیرین این‌کار را انجام می‌دهد. انگار با روحیه‌ای کودکنانه حرف‌هایی عمیق می‌زند، درباره همه‌چیز. راجع به سیاست، فلسفه، اجتماع و… اما این کار را شیرین می‌کند. متن نه آن قدر خشن است که مثل تراژدی‌هایش عبوس و جدی به مسائل بپردازد، نه لوده است. یک حد وسطی را شکسپیر اینجا رعایت کرده که ارتباط برقرار کردن با آن برای مخاطب نسل جوان امروز شدنی است. دغدغه‌های این متن، برابم خیلی قابل لمس بود، حتی ملموس‌تر از خیلی کمدی‌های دیگرش؛ مثلا رؤیای شب نیمه تابستان.

✎ آقای سرور، کمی از تاریخ اجرای این متن شکسپیر از زمان خود او تا الان بگویند و اینکه مشخصا چرا برای هم‌عصرهای شکسپیر، متن جذابی بوده و تا الان هنوز دارد در همه‌جای دنیا روی صحنه می‌رود؟ در هر دوره‌ای چه آدم‌هایی چطور این متن را معاصر خودشان کرده‌اند؟

رضا سرور: پیش از هر چیز مایلیم نکته‌ای را درخصوص معاصربودن شکسپیر بگویم، در چهار قرن گذشته، شکسپیر هربار به‌خاطر یکی از خصوصیات متن‌هایش معاصر شده است. در قرن مقدم شکسپیر به دلیل ارائه تصویر اومانیتیستی‌ای که از انسان نشان می‌داد معاصر بود، در قرن هجدهم– و به‌خصوص در دهه ۱۸۳۰– درون‌مایه‌هایی که در آثارش بر ابراهام جنسیتی و مبدل‌پوشی دلالت داشت بیشترین تأثیر را بر توفیقل‌گوئیه، ژرژ سان، بالزاک، دو وینی، مریمه و… گذاشت و رمان‌هایی چون مادام‌ازل موین (گوئیه)، للیا (ساند)، دختر زرین چشم و سارا‌زین (بالزاک) از آثار او الهام یافتند. در اوایل قرن نوزدهم، رمانتیک‌ها درون‌مایه‌های تغزلی آثار او را برجسته کردند و در قرن بیستم، تأویل‌های روان‌کاوانه و بعد سیاسی به‌ترتیب مورد توجه قرار گرفتند. درواقع آثار شکسپیر؛ چه در عرصه ادبیات و چه اجرا، آزمایشگاهی بودند برای پروراندن ایده‌های نو و انعکاس بحران‌های اجتماعی و سیاسی در آن. آثار شکسپیر میناجی‌هایی بودند که تئاتر نوین خود را در آنها بازمی‌یافت و از طرف دیگر از طریق دستاوردهای جدید تئاتری، آثار شکسپیر بهتر فهمیده می‌شد. این روند تا اواخر دهه ۱۹۸۰؛ چه در حیطه درام‌نویسی و چه در عرصه اجرا بسیار چشمگیر بود. اما از اوایل دهه ۱۹۹۰، این تأثیر کمرنگ شد و شکسپیر معاصر به‌تدریج جای خود را به شکسپیر جهانی داد. در طول این چهار سده هیچ‌وقت شکسپیر تا این حد جهانی نبوده است. ما امروز مثلا شکسپیر آلمانی، شکسپیر فرانسوی و شکسپیر ژاپنی داریم. آنها شروع کردند به یافتن مسائل ملی و بومی خویش در آثار شکسپیر و حالا